



**\*\* حرکت سینماگران آلمانی، در سال‌های اخیر به سمت هالیوود را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

**\*\*\* اشتایر:** بله! تعدادی از فیلم‌سازان ما به آنجا رفته و می‌روند. خوب می‌دانید که هالیوود دنیای دیگری است و خیلی از کارگردان‌ها با رویکردهای مختلفی به آنجا رفته و فیلم ساخته‌اند؛ ولی از بین دوستان بزرگ فیلم‌سازم، خیلی‌ها را می‌شناسم که به علت رفتاری که با کارگردانان خارجی می‌شود، به هیچ وجه تمایلی به فعالیت در هالیوود ندارند. بعضی‌ها هم مثل "وندرس" می‌روند و برمی‌گردند. افرادی مثل "هادسون" هم هستند که در آمریکا زندگی می‌کنند، اما به شیوهی خودشان فیلم می‌سازند. در واقع سیستم هالیوود به این شکل است که به دنبال افرادی هستند که از قدرت قصه‌گویی بالایی برخوردار باشند تا برای همکاری دعوتشان کنند.

**\*\* سینمای امروز را بیشتر هنر می‌دانید یا صنعت؟**

**\*\*\* اشتایر:** قاعداً هر دو. شما هم به پول و گیشه نیاز دارید، هم کیفیت هنری. با این حال برخی فیلم‌سازان بیشتر به جنبه‌ی هنری توجه دارند. مکتب برلین از جمله‌ی این جریان‌های هنری هست. یا "هنس کریستین اشمیت" که فیلم‌های مستند اجتماعی می‌سازد.

**\*\* سینمای تجربی را بیشتر می‌پسندید یا سینمایی که مبتنی بر تعاریف دانشگاهی است؟**

**\*\*\* اشتایر:** من به این تفاوت‌ها احترام می‌گذارم و هر کدام را در جایگاه خود محترم می‌دانم. ما به هر دو نیاز داریم. اعتقاد دارم خیلی اوقات سینمای تجربی بر سینمای پایه نیز تاثیر گذار بوده و هست.

**\*\* در جامعه‌ی هنری آلمان، بین دسته‌ای که به صورت تجربی وارد سینما شده‌اند و کسانی که در این زمینه تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، کدام یک موفق بوده‌اند؟**

**\*\*\* اشتایر:** تقریباً 80٪ کارگردانانی که در آلمان مشغول به کارند، فارغ‌التحصیل لااقل یکی از دانشگاه‌های کشور هستند. باید گفت که تعداد دانشگاه‌ها و مدارس سینمایی در آلمان زیاد است. این مسئله باعث بروز این مشکل است که به نسبت اضافه شدن سالیانه 50 کارگردان به جامعه‌ی سینمایی، فیلم تولید نمی‌شود. تعداد زیادی از آنها جذب برنامه‌سازی در تلویزیون می‌شوند. به نظرم باید بیشتر از کمیت به کیفیت بپردازیم. باید تعداد بیشتری از افرادی را که در صنعت سینما سالیان درازی کار کرده‌اند را برای آموزش به دانشگاه‌ها دعوت کنند. خودم از جمله‌ی این افرادم که نیمی از زندگی حرفه‌ایم را در سینما و نیمی دیگر را در دانشگاه گذرانده‌ام. این مسئله باعث بهبود کیفیت آموزشی می‌شود.

**\*\* در مقام استاد صدا، جایگاه این آلمان را در سینمای امروز چطور می‌بینید؟**

**\*\*\* اشتایر:** عنصر صدا، بسیار پر اهمیت است. صدا نیمی از سینماست! خوشبختانه از لحاظ تجهیزات صوتی، آلمان یکی از پیشرفته‌ترین کشورها است. در واقع وقتی از صدای یک فیلم صحبت می‌کنیم، درباره‌ی صدای بد آن فیلم مشغول حرف زدیم.



## استاد و شاگرد

امین انصاری

«حدود یک ماه پیش، گروهی از دانشجویان و اساتید سینما از آلمان مهمان سوره بودند، تا در ادامه‌ی همکاری‌های چندساله، طبق قرار چند فیلم به عنوان پروژه سینمایی را به انجام برسانند و بروند. از این فرصت استفاده کردم و به منظور سرکشی به وضعیت تحصیل و کار در آن کشور، گفتگویی با یک استاد و یک شاگرد آلمانی تدارک دیدم. حالا که این مصاحبه را می‌خوانید، دیگر رفته‌اند، اما حرف‌هایشان همچنان دریچه‌ای است به سمت قیاس!»

**\*\* آقای اشتایر لطفاً خودتان را برای خوانندگان هلیا معرفی کنید.**

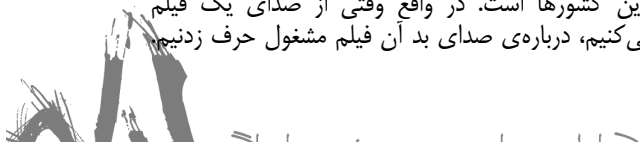
**\*\*\* اشتایر:** من معاون و مدرس دانشگاه HFF در آلمان هستم، که قدیمی‌ترین دانشگاه فیلم در آلمان به حساب می‌آید و حدود 50 سال سابقه دارد. رشته‌ی تخصصی من صدا است. کارهایی که در این رابطه انجام می‌دهم شامل سخنرانی، طراحی صدای فیلم و فعالیت‌های وابسته است. از لحاظ تخصصی، در ابتدا موسیقی کار می‌کردم و ساز تخصصی‌ام پیانو است. در دانشگاه هم در ابتدا موسیقی خواندم و در ادامه‌ی تحصیل به مهندسی صدا رو آوردم.

**\*\* کمی از تجربیاتتان در هالیوود بگویید...**

**\*\*\* اشتایر:** در واقع دفعات مختلفی به لس‌آنجلس رفته‌ام، ولی همکاری‌هایم با هالیوود در خود آلمان صورت گرفته است. که یکی از آنها امور صدای مربوط به "آخرین پادشاه اسکاتلند" بود و برای صدای آن فیلم، کاندیدای جایزه‌ی انجمن صدای آمریکا شدم.

**\*\* شما به عنوان یک استاد در رشته‌ی سینما، بنا بر دید و تجربه‌ی خودتان، سینمای آلمان را دارای چه رتبه‌ای در جهان می‌دانید؟**

**\*\*\* اشتایر:** ما از لحاظ تکنیکی، چه در قسمت دانشگاه و چه صنعت، موقعیت خیلی خوبی داریم. خیلی از شرکت‌های بزرگ فیلم‌سازی، پروژه‌های خود را در استودیوهای آلمان انجام می‌دهند. این پیشرفت‌ها در واقع از حدود 8 سال پیش در آلمان شروع شد و همچنان ادامه دارد.



\*\* از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید بسیار ممنونم.

اگر صداگذاری درست انجام شده باشد، آنقدر با تصویر یکی است، که توجه شما را جلب نخواهد کرد. باید گفت، جریانی که از بیست سال پیش در این زمینه شروع شده، بیشتر به انگیزه‌ی پشتیبانی از نیازهای سینمای آمریکا بوده، تا بشود پروژه‌هایشان را در آلمان انجام داد. به نوعی، ما از این انگیزه برای ارتقاء سیستم فنی خود بهره بردیم.

\*\* ما در ایران از یک صنعت سینمای علمی بهره‌مند نیستیم و فیلم‌های خوب اکثراً محصول نبوغ فرد یا گروهی خاص هستند. نظر شما در مورد این سینما چیست؟

\*\*\* **اشتایر:** سینمای ایران، همیشه سینمایی خاص بوده. من به سینمای کیارستمی احترام می‌گذارم. البته این علاقه در مورد فیلم آخرش صدق نمی‌کند! من از خیلی از فیلم‌های ایرانی تأثیر گرفته‌ام. با حرف شما در مورد غیر علمی و غیر صنعتی بودنش موافقم. البته مسلماً همه‌ی فیلم‌های این سینما را ندیده‌ام. اما در همان حدی که به دستم رسیده یا در جشنواره‌ها دیده‌ام، می‌توانم بگویم، 80٪ آن فیلم‌ها دچار روایت زدگی بوده‌اند. یعنی ساختار روایی خاص و یکنواختی به عنوان یک تکنیک شدیداً مورد توجه فیلم‌سازان ایرانی است. باید گفت، درست است که گاهی این ساختار خوب است، اما این تنها راه ساخت یک فیلم نیست. این راه ساده‌ای برای هنری نشان دادن یک فیلم است، ولی در واقع مصنوعی نشان می‌دهد. اما مثلاً در کار کیارستمی، شما تصویب‌های تأثیرگذاری دریافت می‌کنید.

\*\* چه ارزیابی‌ای در مورد موسیقی فیلم در فیلم‌های ایرانی دارید؟

\*\*\* **اشتایر:** اتفاقات خوبی در این زمینه در سینمای ایران می‌افتد. مخصوصاً وقتی در آهنگ‌ها از موسیقی نواحی بومی و همسایگان‌شان استفاده می‌کنند. موسیقی باید با ایده‌ی تصویر همخوانی داشته باشد و در واقع اگر مشکلی با موسیقی یک فیلم باشد، آن است که بخواهد احساسی را به بیننده تحمیل کند. تصویر سینمایی باید آنقدر قوی باشد که بتواند احساسی را به شما منتقل کند و موسیقی در این میان جنبه‌ای کشف نشده از اتفاق را به شما لقا کند. در آلمان هم گاهی تمایلاتی به نجات یک فیلم بد به قوت یک موسیقی خوب وجود دارد؛ چیزی که هست این حربه هیچ‌گاه کارگر نخواهد بود. این اتفاق در سینمای ایران از فیلمی به فیلم دیگر متفاوت بوده و هست. اما در جمع ناموفق نبوده‌اند.

\*\* به عنوان سوال آخر، با توجه به تعاملی که تا این لحظه با سینمای ایران داشتید، چه پیشنهاداتی برای حرکت به سمت سینمایی پیشرو و موفق دارید؟

\*\*\* **اشتایر:** من اشراف زیادی به استودیوها و امکانات فنی فیلم‌سازی در ایران ندارم. ولی مطمئناً محیط‌های آموزشی از استانداردهای لازم برای تربیت نیروی متخصص برخوردار نیستند. اما در مورد یک سینمای موفق، باید به این نکته اشاره کنم که در ابتدا باید مسئله‌ی تکنیک و تکنولوژی را حل کرد. وقتی از لحاظ فنی در موقعیت خوبی قرار داشته باشید، ذهنتان با توجه به شناخت قابلیت‌های موجود، شروع به خلق می‌کند. اما وقتی در حین تولید قصد محک زدن تکنیک و یادگیری تکنولوژی‌های روز را داشته باشید، مسلماً اتفاق چشمگیری انتظارتان را نمی‌کشد.

